

گفتگو با محمد شیرینی بازیگر مجموعه تلویزیونی «جاده چالوس»

# دنبال یک شیری دیگر هستم!

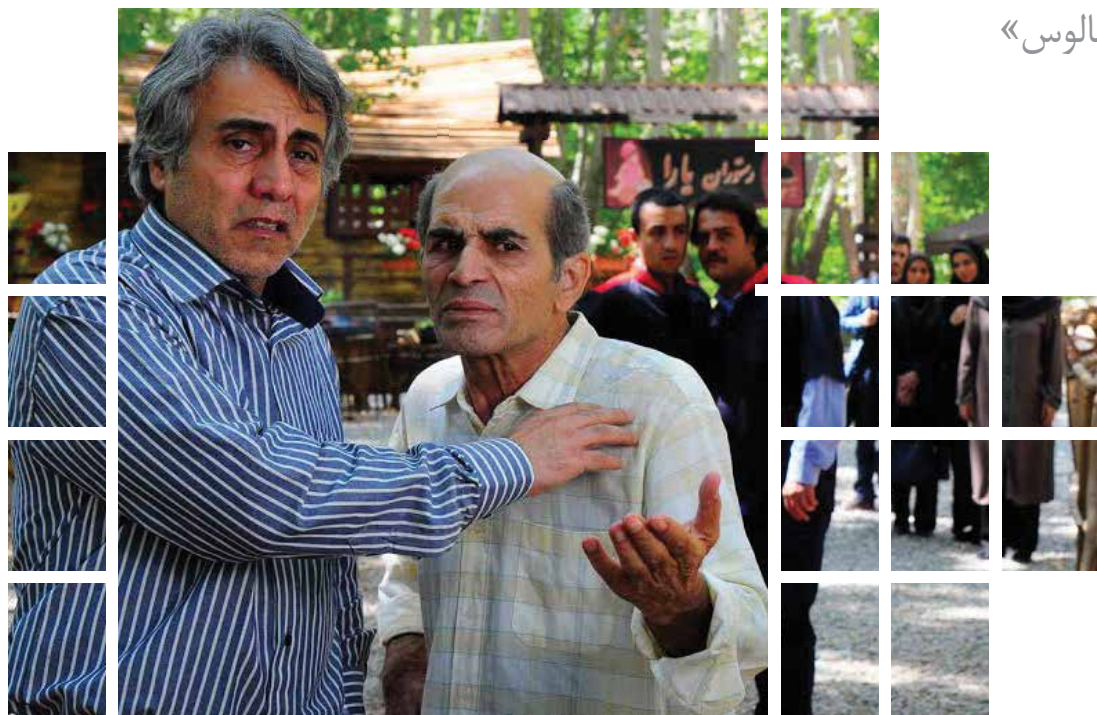
احمد اسماعیلی

محمد شیرینی را اغلب مخاطبان با کارهای کمدی می‌شناسند. سر سال‌های «شب‌های برره» و «جایزه بزرگ» از ساخته‌های مهران مدیری بود که تکیه کلام‌های شیرینی به خصوص در نقش خان‌برره در دهان مردم جا افتاد. محمد شیرینی با سایر کارگردان‌های محبوب تلویزیون مثل سروش صحت در مجموعه «چارخونه» نیز همکاری موفق داشته. در سینما هم شیرینی با کارگردان‌های مهمی مثل پوران درخشنده همکاری کرده است و سال‌ها در عرصه تئاتر با بزرگان نظیر هادی مرزبان و منیژه محامدی همکاری داشته است. محمد شیرینی با آنکه به تجربه‌های پنج دهه‌ای خود در سینما، تئاتر و تلویزیون، در سریال «جاده چالوس» در نقش شخصیتی متفاوت (مصیب) بازی جذاب و قابل توجهی از یک نقش به ظاهر معمولی انجام داده است. با محمد شیرینی درباره این حضورش و کار با احمد معظمی گفتگویی انجام داده‌ایم.



در این سال‌های اخیر اغلب در نقش‌های کمدی بازی کرده‌اید. آیا با بازی در نقش یک آبدارچی جدی خواستید از این نوع نقش‌ها فاصله بگیرید؟  
البته اینطور که شما می‌گویید نیست. من سال‌هاست که در کنار نقش‌های کمدی نقش جدی و رئال بازی کرده‌ام.  
اما در عرصه کارهای تلویزیونی معمولاً در نقش آدم‌های شیک و پولدار و تا حدی با ویژگی‌های طنز بازی کرده‌اید. بیشتر این نقش‌های جدی را در تئاتر بازی کرده‌اید. چقدر به این مسئله اعتقاد دارید؟  
درواقع بازیگر تئاتر هستم. در صورت موقعی که فیلمنامه را خواندم یا کارگردان صحبت کرد و معظمی گفت: «من یک شیری دیگه‌ای می‌خواهم.» گفتم باید دقیقاً فیلمنامه و نقش را آنالیز کنم که بگویم می‌توانم خواسته‌ها را تأمین کنم یا نه. موقعی که برای بازی در این کار با کارگردان حرف‌زدم بیش از هفت قسمت از سریال نوشته نشده بود و من فکر کردم که باید کل این شخصیت -چهره و فیزیکش- متفاوت باشد. باطراح چهره پردازی آقای بزوی، سریال صحبت کردم و برای اولین بار و به دلیل اینکه در حالت چهارم تفاوتی احساس شود از ایشان خواستم که وسط سرم را برآورد تا حالت تاسی این مرد دیده شود. به هر حال این کار باعث شده این آدم جنبه باتجربه‌تری پیدا کند و چهره‌ام از شکی دور شود و با این رویه ذهنیت مخاطب هم نسبت به نقش‌هایی که من بازی کرده‌ام تغییر پیدا کند. بازیگری که می‌خواهد در کارش موفق باشد باید هر لحظه برای کارش آماده شکسته شدن و تغییر باشد و نخواهد تا بد یک قالب ثابت را دنبال کند و درست شبیه موم، قابلیت تغییر شکل ماهوی و فیزیکی را در خودش داشته باشد. در سال‌های گذشته البته در تئاتر نقش آدم‌هایی از جنس مصیب را بازی کرده بودم، البته چون از داستان «جاده چالوس» خوشم آمده بود تمامی این مسائل

مصیب مرد تنهایی هم به نظر می‌رسد؟  
بله و با تنها دخترش زندگی می‌کند.  
به نظر می‌رسد جنس آدم‌هایی مثل مصیب که قدر دان و مهربان هستند، از بین می‌رود؟  
بله، حرف درست است. امیدوارم مخاطب این خصوصیات اخلاقی مصیب را متوجه شده باشد.



را انجام دادم تا بازی متفاوتی از من مقابل چشم مخاطب ارائه شود. احمد معظمی تأثیر مهمی در دست در آمدن نقش داشت و جاهایی که از فرم و روال نقش خارج می‌شدم به من تذکر می‌داد و با صمیمیت کار می‌کردیم.

آیا بر اساس مقتضیات نقش مصیب جنس بازی‌تان درونی شده است؟  
بله، همه از من بازی‌های بیرونی و پرتحرکی مثل بازی‌هایم در سریال‌های مهران مدیری می‌خواهند. در حالی که من فقط در دو سریال با مدیری همکاری داشتم.  
کارهای مدیری معمولاً پر مخاطب است و نقش‌های شما به خصوص خان‌برره -خیلی خوب دیده شد و اغلب شما را با این نقش به یاد می‌آورند؟  
بله، قبول دارم. بازی در سریال «شب‌های برره» خیلی خوب دیده شد، اما برای بازی در سریال «جاده چالوس» کلی سختی تحمل کردم و چند باری هم آسیب دیدم. فیلمبرداری این کار از اوایل گرمای تابستان آغاز و تا چند روز پیش هم ادامه داشت.

فصله گرفتن از چالوس و نشان دادن احساسات واقعی به بالادستی که دوستش دارد آیا در بازی کار دشواری بود؟  
بله، کار دشواری بود و باید تا آخر سریال منتظر بود و دید که چقدر در این کار موفق عمل کرده‌ام. در بازی تلاش کردم از آبدارچی‌هایی که معمولاً در سریال‌های تلویزیونی دیده می‌شود -که آدم‌هایی کار چاقی کن و چالوس هستند- دوری کنم. مصیب را آدمی مثبت نشان دادم که قدر دان

است و حتی حاضر است جانش را برای مهندس و خانواده‌اش بدهد.  
آیا مهندس در گذشته کار خاصی برای مصیب انجام داده که او اینقدر برایش فداکاری انجام می‌دهد؟



موقعی در حین کار به کارگردان می‌گفتم خدای نکرده این رفتار مصیب نسبت به مدیر شرکت جنبه چاپلوسی و تملق‌گویی پیدا نکند؟ مانند آدم‌هایی که برای موفقیت زیرآب دیگران را زنده‌بالا دستی‌هایشان می‌زنند. کارگردان به من اطمینان داد که چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد و کارهای مصیب دلی و واقعی است. کما این که در چند قسمت سریال موقعی که یکی از کارمندان شرکت با صدای بلند با مهندس ظرف صحبت می‌کند مصیب از فرط علاقه‌ای که به مهندس دارد با این کارمند درگیر می‌شود.  
فصله گرفتن از چالوس و نشان دادن احساسات واقعی به بالادستی که دوستش دارد آیا در بازی کار دشواری بود؟  
بله، کار دشواری بود و باید تا آخر سریال منتظر بود و دید که چقدر در این کار موفق عمل کرده‌ام. در بازی تلاش کردم از آبدارچی‌هایی که معمولاً در سریال‌های تلویزیونی دیده می‌شود -که آدم‌هایی کار چاقی کن و چالوس هستند- دوری کنم. مصیب را آدمی مثبت نشان دادم که قدر دان

است و حتی حاضر است جانش را برای مهندس و خانواده‌اش بدهد.  
آیا مهندس در گذشته کار خاصی برای مصیب انجام داده که او اینقدر برایش فداکاری انجام می‌دهد؟

مصیب را آدمی مثبت نشان دادم که قدر دان است و حتی حاضر است جانش را برای مهندس و خانواده‌اش بدهد.  
آیا مهندس در گذشته کار خاصی برای مصیب انجام داده که او اینقدر برایش فداکاری انجام می‌دهد؟

## یادداشت

### تضاد رادیو فرهنگ با ایرانی بودن ما



مریم فلاح

فرهنگ ایرانی در ذات خود جهانی بودن را جستجو می‌کند. این گرایش خلق و خوی جستجوگری در میان فرهنگ و هنر و علوم جهانی برای کشف خوبی‌ها را ایرانیان خاصه کرده است. اما این روحیه

ارزشمند دستاویز افراط‌گری شیفتگان فرهنگ غرب به عنوان جدی‌ترین رقیب فرهنگی ایران را فراهم کرده است. کافی است چند ساعتی به برنامه‌های رادیو فرهنگ به عنوان جلودار سیاست‌های فرهنگی رادیو گوش دهید. مجریان عمومی این شبکه همواره مشغول نقل قول از دانشمندان انگلیسی، فرانسوی، روسی، امریکایی و الخ هستند، دروغ از نقل قول ستارگان آسمان فرهنگ ایرانی.

برنامه‌های کارشناسی تئاتر به معرفی دقیق و تحلیل نویسندگان، کارگردانان و بازیگران خارجی اختصاص دارد. حتی مهم‌نویس که از یک هنرمند خارجی در یک روز در چند برنامه کارشناس سخن بگویند. کار به جایی می‌رسد که هنرمندان اندیشه سوسیالیستی بزرگ‌نمایی می‌شوند و هنرمندان ضد دیکتاتوری شیلی تحقیر می‌شوند. یعنی در همین نشست‌های ظاهر ا کارشناسی شیفتگی نسبت به فرهنگ غالب غرب کاملاً نمایان است. در این میان دریغ از معرفی کارشناسانه و تحلیل زندگی هنری یک هنرمند ایرانی تئاتر.

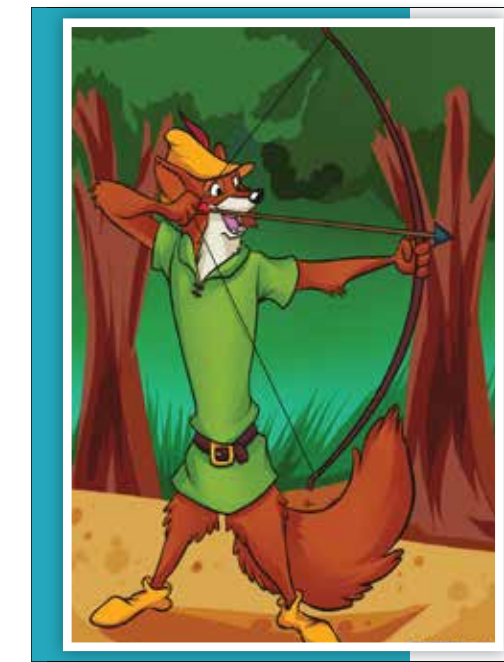
در حوزه سینما کار به مراتب خراب‌تر است. فیلسازان شناسخته شده و نینما شده بارها و بارها باز معرفی می‌شوند. کار به جایی می‌رسد که در وصف اندیشه والای استون اسپیلبرگ که گریشات صیونیستی‌اش آشکار است سخن می‌گویند. فیلم‌هایی که محور داستانی آن‌ها خلاف آموخته‌های جامعه شرقی است درشت‌نمایی می‌شوند و خوراکی فکری در مخاطب خواننده می‌شود که اگر غربی‌ها بخوانند با این فشرده‌گی آن را باید خرج کنند.

در عرصه اندیشه دیگر کار خطرناک می‌شود؛ به بهانه بررسی نخله‌ها و اندیشمندان جهان حرف‌های ضد استراتژی کشور را می‌شنویم. مثلاً کارشناس برنامه می‌گویند: فلاخی گفته پس از اشویتس دیگر هیچ شعری گفتنی نیست! تصور می‌کنید آیا ممکن است روزی در رادیوهای رژیم اشغالگر قدس مجری در وصف اندیشمندان ایران اسلامی جمله‌ای بگوید؟ پاسخ منفی است. چرا که آن‌ها به طور کلی ایران را از برنامه‌ها مستندهای فرهنگی، هنری و علمی پاک کرده‌اند و حتی در مباحث تاریخی به قیمت جعل واقعیت ایران را کنار می‌گذارند. حالا ما بر نقطه‌ای از تاریخ صحنه می‌گذاریم که مبنای ظلم تاریخی صهیون به مسلمانان شده است. آن هم در رادیوی جمهوری اسلامی ایران!

در عین حال تصور می‌شود مهم‌ترین مأموریت رادیو فرهنگ یادآوری ظرفیت‌ها و گوشه‌های فراموش شده فرهنگ ایرانی اسلامی است. در مرتبه دیگر معرفی فرهیختگان، هنرمندان، اندیشمندان و به طور کلی ستارگان واقعی سپهر فرهنگ ایرانی اسلامی اولویت جدی این شبکه رادیویی است، اما در عمل در کلیت برنامه‌های این شبکه نوعی تضاد با ایرانی بودن ما وجود دارد.



مریم فلاح: تلویزیون این کارتون را عید به عید نشانمان می‌داد. تماشای ماجرای راین‌هود و دوستانش اینقدر برایمان خاطره‌انگیز است که حتی اگر الان هم این کارتون پخش شود همه پای تلویزیون چمبره می‌زنیم. داروغه ناتینگهام، پرنس جان و مارش هیس، لحن زدن هیس با هر بار تماشای کارتون تاملت‌ها سر زبان‌ها می‌ماند. آخر کارتون را یادتان هست که باغل و زنجیر، لباس زندان‌ها را می‌پوشید. هیس با نه دهم میخ نگی می‌داشت و پرنس جان چکش می‌زد. راین‌هود، جان کوچولو، پدر تاک، مار یاو... آن مرغ چاقی که با مار یا تنیس بازی می‌کرد، در آخر خنده بود. به ویژه آن جنگ و مرگ نمایشی‌اش در مقابل پرنس جان. از میان بچه‌ها هم لاک‌پشت با آن عینکش آخر پشه و دلقک بازی بود. یک خرگوش کوچولویی هم بود که خیلی دوست داشت مثل راین‌هود شود، خواهرش با یک عروسک پارچه‌ای زیر بغلش همیشه دنبال سرش بود. این کارتون یک بدآموزی هم داشت، داروغه یک سگ می‌زد که طرف گدا گوره و بعد هر چی سگه بالا می‌آمد را به جیب می‌زد. صدای داروغه ناتینگهام و راین‌هود را به ترتیب بادبیله صادق ماهروز و زور زور پطروس می‌شنیدیم. موسیقی این کارتون هم خیلی دوست داشتی بود.



خاطرات کافندی

خاطرات کافندی



پیشنهاد رادیویی  
بحث‌های جذاب سینما در «سینما معیار»  
رادیو گفتگو بر اساس تعریف شبکه‌ای که دارد برنامه‌های گفتگو محور زیادی را برای علاقه‌مندان به حوزه‌های مختلف روانه آنتن پخش می‌کند. برنامه رادیویی «سینما معیار» یکی از این برنامه‌هاست که به موضوع‌های سینمایی می‌پردازد و فیلم‌های در حال اکران را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.  
«سینما معیار» به کارشناسی سیدامیر جاوید و تهیه‌کنندگی و سردبیری محمد جواد طالبی، سعی دارد ضمن پرداختن به مسائل اساسی سینمای ایران سطح آگاهی مخاطب از فیلم‌های روز پرده را بالا ببرد و به بررسی محتوای اکران‌های روز پرداخته و نقاط قوت و ضعف و سمت و سوی اجتماعی-اخلاقی و سیاسی آن را بررسی کند. کارشناسان، منتقدان سینمایی و عوامل سازنده فیلم‌ها با حضور در این برنامه و ارائه نقطه‌نظرات کارشناسی خود و بررسی نظرات مختلف به موضوعات مختلفی در حوزه سینما می‌پردازند و روند ساخت فیلم‌ها را بررسی می‌کنند.  
محمد جواد طالبی تهیه‌کننده برنامه «سینما معیار» است که این برنامه را با اجرای رضا شهیدی‌فر با رویکرد بررسی مسائل سینمای ایران در روزهای پنجشنبه ساعت ۱۷ روی آنتن پخش می‌برد.  
علاقه‌مندان می‌توانند این برنامه را پنجشنبه‌ها ساعت ۱۷ از رادیو گفتگو بشنوند.

پیشنهاد تلویزیونی  
«داستان دو شهر» روی آنتن شبکه چهار  
شبکه چهار به حال سریال‌های زیادی که اقتباس از کتاب‌های مشهور جهان بوده‌اند را در جدول پخش خود قرار داده است. مجموعه تلویزیونی «داستان دو شهر» که اقتباسی از کتاب چارلز دیکنز است نیز سریال جدیدی است که از ابعاد دوشنبه هر روز پخش می‌شود. این مجموعه کوتاه نمایش را مایکل برایت در سال ۱۹۸۰ تولید کرد تا در این اثر به یادماندنی پل شلی در دو نقش کاترین و دارنی و سالی از پورن در نقش لوسی هنر نمایی کنند.  
داستان این سریال به سال ۱۷۷۵ میلادی بازمی‌گردد. زمانی که دکتر مانت دوران محکومیت خود را در زندان باستیل پاریس به پایان رساند و آزاد شد. در قسمت اول این سریال می‌بینیم: چارویس لری کارمند بانک تلسون به پاریس سفر می‌کند که دکتر الکساندر مانت را در بازگشت به لندن می‌یابد. او لوسی مانت ۱۷ ساله را ملاقات می‌کند و برای اوفاش می‌سازد که پدر او زنده است، اما سال‌هاست که در زندان باستیل دوران محکومیت خود را سپری می‌کند. آن‌ها به مناطق سطح پایین پاریس می‌روند و موسیو دفارز را ملاقات می‌کنند که پیش از بازداشت دکتر مانت خدمتکار او بود و... قسمت اول این سریال ۴ قسمتی، دوشنبه ساعت ۱۱ ابعاد پخش می‌شود و قسمت‌های دوم تا چهارم هر روز ساعت ۱۰ دقیقه ابعاد به روی آنتن خواهد رفت.

پیشنهاد تلویزیونی  
«داستان دو شهر» روی آنتن شبکه چهار  
شبکه چهار به حال سریال‌های زیادی که اقتباس از کتاب‌های مشهور جهان بوده‌اند را در جدول پخش خود قرار داده است. مجموعه تلویزیونی «داستان دو شهر» که اقتباسی از کتاب چارلز دیکنز است نیز سریال جدیدی است که از ابعاد دوشنبه هر روز پخش می‌شود. این مجموعه کوتاه نمایش را مایکل برایت در سال ۱۹۸۰ تولید کرد تا در این اثر به یادماندنی پل شلی در دو نقش کاترین و دارنی و سالی از پورن در نقش لوسی هنر نمایی کنند.  
داستان این سریال به سال ۱۷۷۵ میلادی بازمی‌گردد. زمانی که دکتر مانت دوران محکومیت خود را در زندان باستیل پاریس به پایان رساند و آزاد شد. در قسمت اول این سریال می‌بینیم: چارویس لری کارمند بانک تلسون به پاریس سفر می‌کند که دکتر الکساندر مانت را در بازگشت به لندن می‌یابد. او لوسی مانت ۱۷ ساله را ملاقات می‌کند و برای اوفاش می‌سازد که پدر او زنده است، اما سال‌هاست که در زندان باستیل دوران محکومیت خود را سپری می‌کند. آن‌ها به مناطق سطح پایین پاریس می‌روند و موسیو دفارز را ملاقات می‌کنند که پیش از بازداشت دکتر مانت خدمتکار او بود و... قسمت اول این سریال ۴ قسمتی، دوشنبه ساعت ۱۱ ابعاد پخش می‌شود و قسمت‌های دوم تا چهارم هر روز ساعت ۱۰ دقیقه ابعاد به روی آنتن خواهد رفت.